

جزوه آموزشی:

سرمایه اجتماعی و نظارت همگانی

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

سرمایه اجتماعی و نظارت همگانی

لا تتركوا الامر بالمعروف والنهي عن المنكر فبولى عليكم اشراركم ثم تدعون فلا يستجاب لكم

(عليه السلام، نهج البلاغه نامه ۴۷)

چکیده

نظارت همگانی بخشی از فرایند مشارکت اجتماعی - سیاسی است که دارای سه سازوکار مشاهده، تماس و پرسش و پاسخ است. از آنجاییکه یک پدیده اجتماعی است تحت تأثیر متغیرهای جامعه شناختی می باشد. یکی از متغیرهای جامعه شناختی مؤثر بر تحقق نظارت همگانی سرمایه اجتماعی است که دارای مؤلفه های آگاهی، هویت جمعی، اعتماد، شبکه ها و پنداشته های اجتماعی - سیاسی است. ارتباط میان سرمایه اجتماعی با مشارکت در نظارت اجتماعی به صورت پیمایشی و مطالعه موردی در میان خانواده های شاهد و اینانگر ساکن شهر تهران به تعداد ۱۵۸۸ نمونه مورد بررسی قرار گرفت که ارتباط معنادار آن به اثبات رسید. بنابراین مشکل عدم تحقق نظارت همگانی در کشور ریشه در ضعف سرمایه اجتماعی دارد. و برای تحقق آن باید سرمایه اجتماعی در این خصوص توسط نخبگان شناسایی، بازتولید و فعال گردد تا نظارت همگانی در جامعه شکلی گیرد.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

مقدمه

تاریخ نشان می دهد که توسعه محصول ارزشهای والا، هنجارهای مطلوب، تلاطمهای فراوان و همبستگی عمومی انسانهای نخبه و برتر است، ما هر حرکت توسعه گرا در آغاز و یا به زودی دستخوش امیال و کنش های ضد توسعه می گردد، بنابراین مسئله اهمیت و ضرورت ارزیابی و نظارت همگانی برای کنترل صحیح رفتارها و روابط اجتماعی مطرح می گردد. متفکرین بسیاری برای جلوگیری از فرو افتادن جوامع به سراسیمه سقوط و نابودی راه حل های متفاوتی را پیشنهاد نموده اند.

در فرهنگ اسلامی نیز با وضع دو قاعده بسیار مهم (امر به معروف و نهی از منکر) در میان هشت وظیفه و قاعده لازم الاجرا (فروع هشتگانه دین) میزان توجه این مکتب را به امر نظارت و ضرورت کنترل اجتماعی نشان داده است. بر اساس این تأکید، در قانون اساسی نیز یک اصل به آن اختصاص یافت علیرغم تأکید فرهنگ دینی بر کنترل اجتماعی و واجب نمودن آن به صورت فروع دین، و نیز تأکید قانون اساسی و غالب متفکران و روشنفکران بر ضرورت استقرار این امر در جامعه، شاهد آن هستیم که بحث نظارت اجتماعی در جامعه چنانکه شایسته است، جدی و فراگیر نیست. لذا مسئله اساسی در این مقاله چرایی ضعف نظارت اجتماعی بویژه نظارت همگانی در جامعه کنونی ما است.

پرسش آغازین در این مقاله این است که: رابطه سرمایه اجتماعی با نظارت همگانی چگونه است؟

فرضیه: فرض ما بر این است که نظارت همگانی یک پدیده جامعه شناختی است و تحقق و نهادینه شدن آن وابسته به شرایط و زمینه های اجتماعی است، و یکی از این عوامل، سرمایه اجتماعی است. وجود گستردگی و فعال بودن سرمایه اجتماعی نقش مهمی در گسترش و نهادینه شدن نظارت همگانی دارد.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

مفهوم نظارت:

نظارت همگانی مجموعه فعالیت هایی است که جامعه و گروه ها و یا اعضاء آنها، مجموعه اقدامات و فرایندهای نیلای نقش اعضاء و کارگزاران را با قواعد و نقش های محول تطبیق و مورد ارزیابی قرار داده تا از این طریق میزان مطابقت نقشهای محول با نقشهای محقق سنجیده شود.

نظارت اجتماعی، اولاً بخشی از فرایند جامعه پذیری است و در جهت شکل دهی و حفظ الگوهای فرهنگی به کار می رود. ثانیاً؛ حلقه ای از فعالیتهای مربوط به مشارکت اجتماعی است، مقصود از مشارکت اجتماعی آن دسته از فعالیتهای شهروندان است که در صدد تأثیرگذاری بر تصمیم سازی و اجرای تصمیمات مربوط به اداره و مدیریت جامعه در کلیه ابعاد می باشند. هنری فایول (Henri Fayol) از دانشمندان کلاسیک (۱۸۴۱-۱۹۲۵) عناصر اصلی مدیریت جامعه را در پنج مرحله می داند که عبارتند از: تنظیم برنامه، سازماندهی، فرماندهی، هماهنگی و نظارت (کنترل). وی معتقد است اصل منطقی که چهار مرحله دیگر را کامل می کند، اصل کنترل و نظارت است که منظور از آن، بازدید و رسیدگی به اجرای دستورهای داده شده به اعضاء سازمانی است تا از این راه شیوه صحیح اجرای آن دریافت گردد.

به بیان دیگر مجموعه فرایند فعالیتهای یک نظام اجتماعی به سه بخش قاعده گذاری (Rulemaking)، اجرای قواعد (Rule-application) و ارزیابی (Rule-adjudication) تقسیم می شود، که مشارکت شهروندان بصورت نظارت در فاز سوم آن قرار دارد. یعنی نظارت همگانی یا نظارت اجتماعی بخش سوم فرایند مدیریت یا سیاست در جامعه را تشکیل می دهد.

فرایند نظارت:

نظارت یک فرایند سه مرحله ای است. مرحله نخست را آگاهی از قواعد، مقررات، سیاستها و استانداردها تشکیل می دهد، چرا که قواعد و مقررات تعیین کننده نقشهای محول و یا به عبارت دیگر وظائف و مسئولیتهای کنشگران هستند. مرحله دوم عبارت است از آگاهی از فرایند و کمیت و کیفیت اجرای قواعد و نقشها، آگاهی از اینکه چه قواعدی که باید اجرا می شد اجرا شد یا نشد؟ وضعیت سیاستهای ممنوعه ای که اتخاذ شده بودند چگونه است؟

در مرحله سوم ناظرین می توانند اطلاعات بدست آمده را با مقررات و استانداردهای تعیین شده تطبیق دهند و مشخص نمایند که میزان انطباق مرحله اجرا با تصمیمات اتخاذ شده در مرحله تصمیم سازی چقدر است؟

سازوکارهای نظارت همگانی:

نظارت همگانی دارای سازوکارها و شیوه های متفاوت و متعددی است. اولین شیوه آن حضور و مشاهده فرایند تصمیم سازی و اجرا است. در این سازوکار شهروندان می توانند به گونه ای در جلسات تصمیم سازی حضور پیدا نمایند و از نزدیک شاهد سیاستگذاری و یا وضع قواعد باشند. نمونه آن حضور شهروندان در صحن علنی مجالس قانونگذاری و یا شوراهای منطقه ای، شهری و روستایی است. این سازوکار می تواند به دیگر سطوح و دستگاههایی که تصمیمات غیرمحرمانه می گیرند نیز توسعه یابد.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

دومین سازوکار، تماس فردی یا گروهی با مسئولان است. هر یک از شهروندان و یا گروههای اجتماعی در خصوص مسائلی که ضرورت انجام آن را احساس می نمایند می توانند بصورت حضوری یا تلفنی و یا مکاتبات رسمی و غیررسمی از مسئول ذیربط خواهان انجام آن و حل مشکل و یا توضیح پیرامون آن گردند.

دومین سازوکار نیز رسانه های جمعی بویژه دیداری مثل تلویزیون و یا شنیداری مثل رادیو، نوشتاری مثل روزنامه ها و دیگر نشریات هستند که وسایلی مناسبی برای نظارت برمسئولان و پاسخگو نمودن آنان می باشند. این رسانه ها، از طریق برگزاری جلسات و نشستهای پرسش و پاسخ و یا صفحاتی اختصاصی برای طرح سوالات می توانند حلقه ارتباط بین شهروندان و صاحبان اقتدار و یا مسئولان ذیربط باشند. در این مقاله صرفاً دومین سازوکار یعنی تماس با مسئولان مورد بررسی قرار می گیرد.

سرمایه اجتماعی و نظارت همگانی:

نظارت همگانی نوعی کنش اجتماعی است، و کنش های اجتماعی بر اساس نظریه پارسونز تحت تأثیر سه متغیر انسانی و اجتماعی شکل می گیرند. اولین متغیر شخص کنشگر می باشد که دارای شخصیت، باورها، اعتقادات، ایستارها و تمایلات و نیازهای خاصی می باشد، که بر اساس آنها اهدافی را برای خود تعریف می نماید. دومین عامل ساختار اجتماعی است؛ که موجب شکل گیری پایگاه ها و تعریف نقشهایی می شود که فرد کنشگر با استقرار در پایگاهی خاص در درون آن، نقشهای محول خاصی را عهده دار می شود که ملزم به رعایت آنها است. و اما سومین عامل فرهنگ؛ سازنده آن نظام اجتماعی است. فرهنگ شامل مجموعه ارزشها، اعتقادات، ایستارها، هنجارها، نمادها و احساساتی است که جزء ساختار و روابط اجتماعی را شکل داده و کنترل می کند. افراد از یک طرف از طریق درونی کردن آن می فرایند جامعه پذیری و از طرف دیگر بوسیله الزام اجتماعی، در کنش خود محدود به رعایت ارزشها و ایستارها و رفتار در چارچوب هنجارها می باشند. یکی از رویکردها و نظریاتی که این سه عامل را در تحلیل کنش اجتماعی به هم پیوند می زند، نظریه سرمایه اجتماعی است. این نظریه در تحلیل خود هم به متغیرهای فردی، هم به متغیرهای فرهنگی و هم به متغیرهای ساختاری توجه دارد. برای درک تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت اجتماعی از جمله نظارت همگانی لازم است به اختصار به عناصر سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با مشارکت اجتماعی اشاره ای داشته و سپس این مدعیات را در حوزه ای محدود از نظارت همگانی آزمون نماییم.

مفهوم سرمایه اجتماعی:

سرمایه اجتماعی به مجموعه منابعی اطلاق می شود که موجب تسهیل دستیابی کنشگر یا کنشگران به اهداف مورد نظر می شود. این منابع مسبوق به انجام کار یا کارهایی در گذشته هستند. سرمایه محصول و کارکرد "کار" در یک مقطع زمانی است. سرمایه عبارت است از کار انباشته (در شکل مادیت یافته، یا شکل متسجد و پیکربت یافته ی آن) که وقتی بر مبنای خصوصی یعنی انحصاری، به تصرف عاملان یا گروههایی از عاملان در آید، آنان را قادر می سازد تا نیروی اجتماعی را، در شکل کار عینیت یافته یا چناندار به تصرف درآورند. ۴. از نظر

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

بورديو، سرمايه بسته به عرصه ای که در آن عمل م یکنند و به بهای کم و بیش تغییر شکل های گران تری پیش شرط کارایی آن در عرصه مورد بحث هستند، به سه شکل اساسی ظاهر می شود:

الف: سرمايه اقتصادی، که بی درنگ و مستقیماً قابل تبدیل به پول است، ممکن است به شکل حقوق مالکیت درآید.

ب: سرمايه فرهنگی، که با بعضی شروط، قابلیت تبدیل به سرمايه اقتصادی را دارد و ممکن است به شکل مدارک تحصیلی درآید.

ج: سرمايه اجتماعی که ساخته شده از تکالیف و تعهدات اجتماعی (پیوندها و ارتباطات) است و در برخی شرایط به سرمايه اقتصادی قابل تبدیل است و چه بسا به شکل اصالت و اشرافیت درآید.

برای تعریف سرمايه اجتماعی، متفکران اصلی این نظریه حداقل دو الگو و رهیافت را در پیش گرفتند:

الف: تعریف بر اساس مؤلفه ها (منابع):

برخی از متفکران در تعریف سرمايه اجتماعی به عناصر و منابعی اشاره دارند که موجب تسهیل انجام امور اجتماعی برای دیگر افراد و کنشگران می شوند. شیف سرمايه اجتماعی را مجموعه ای از عناصر ساختار اجتماعی می داند که بر روابط میان مردم اثر می گذارد و نهادهای تابع تولید و یا توابع مطلوبیت را تشکیل می دهند.

برخی دیگر به جای ساختار، افراد انسانی را سرمايه اجتماعی می دانند. «برت» سرمايه اجتماعی را «دوستان» همکاران و تماسهای کلی تری می داند که از طریق آنها فرصت های استفاده از سرمايه مالی و انسانی بدست می آید.

اما بهره گیری از انسانهای دیگر در صورت جایگیری آنها در ساختارهای اجتماعی و شبکه های ارتباطی نهادینه، مستمر و مؤثر و مطمئن تر خواهد بود. بنابراین منبع سرمايه اجتماعی، انسانهای تشکیل دهنده نوع و سطحی از جامعه خواهند بود. لذا برخی از متفکرین نظیر بورديو در تعریف سرمايه اجتماعی به این دو مؤلفه اشاره دارند. بورديو این مفهوم را به عنوان «حاصل جمع منابع بالفعل یا بالقوه ای که به مالکیت شبکه پایدار مناسبات کما بیش نهادی شده ارتباط یا شناخت متقابل مربوط اند» تعریف کرده است. بنابراین تعریف، سرمايه اجتماعی روابط اجتماعی است که به افراد اجازه می دهد تا مدعی دستیابی به منابع متعلق به معاشران خویش شوند. ۶۰ به اعتقاد این نظریه پردازان، مفهوم بردازی در خصوص سرمايه اجتماعی باید به دقت و محدودیت بیش تر و احتساب آن به صورت یکی از منابع ساختاری و ارتباطی اجتماعی صورت پذیرد. به منبعی که خود از ویژگی های سازمانها و شبکه های اجتماعی تلقی می شود.

پاتنام متفکر مشهور دیگری از همین نحلّه است که در تعریف سرمايه اجتماعی به سه عنصر مهم اجتماعی اشاره می کند، به نظر ایشان «سرمايه اجتماعی، (شماره کننده به مشخصات تشکیلات اجتماعی) است» مشخصانی چون اعتماد، سیارها (هنجارها) و شبکه ها که می توانند با تسریع فعالیت های هماهنگ شده کارایی جامعه را بهبود بخشند. ۶۱

سرمايه اجتماعی مجموعه ای از شبکه ها، هنجارها و اعتماد است که سبب می شود تا شرکت کنندگان (Participants) در فعالیت مشترک کاراتری برای تعقیب اهداف مشترک خود وارد شوند.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

به طور کلی این دسته از تعاریف نه بر پیامدها، بلکه بر منابع سرمایه اجتماعی متمرکز است. در حالی که می پذیرد که ویژگی های مهم سرمایه اجتماعی از قبیل اعتماد و هنجار متقابل در طی یک فرایند مکرر پدید آمده اند. ثانیاً این گونه تعاریف، ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی را در خود جای می دهند و می پذیرند که اجتماعات کمابیش بدانها دسترسی داشته باشند، هرچند این گونه سرمایه های اجتماعی نقشی در توسعه جوامع نداشته باشند و حتی مانع از توسعه آنها گردند، چرا که فقط عامل کنش جمعی می گردند نه جهت گیری صحیح و توسعه گرای آن. برای مثال فقرا ممکن است شبکه های فشرده و ذخیره ای قابل توجه از سرمایه اجتماعی درون گروهی را در اختیار داشته باشند و بتواند آن را چون اهرمی برای کنار آمدن با مسائل روزمره به کار بند، اما در مقابل، از آن نوع سرمایه اجتماعی بین گروهی که بتوانند با آن پیشرفت کنند بی بهره باشند.^{۱۰}

ب: تعریف بر اساس کارکردها «پیامدها»

متفکر اصلی این رویکرد جیمز کلنن است به نظر او «سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می شود. سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی دارند: همه آنها شامل جنبه ای از یک ساخت اجتماعی هستند. واکنش های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می کنند. سرمایه اجتماعی مانند شکل های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدفهای معینی را که در نبودن آن دست یافتنی نخواهد بود امکان پذیر می سازد. البته شکل معینی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل کنشهای معینی ارزشمند است ممکن است برای کنشهای بی فایده یا حتی زیانمند باشد.^{۱۱} بر مبنای این تعریف سرمایه اجتماعی ذات واحدی نیست، بلکه مجموعه ای از ذاتهای گوناگون است که دو عنصر مشترک دارند: اولاً همه آنها مشتمل بر جنبه ای از ساختارهای اجتماعی اند، ثانیاً کنش خاصی از کنشگران (اعم از اشخاص حقوقی یا حقیقی ها را) در داخل محدوده ساختار تسهیل می کنند.^{۱۲}

ماهیت سرمایه اجتماعی:

سرمایه اجتماعی را چه به عنوان منابع تعریف نماییم و چه بر اساس کارکردهای آن، ماهیت آن اجتماعی است. یعنی یک اجتماع با گروه در خدمت فرد، گروه و سازمان دیگر قرار می گیرد و او می تواند برای دست یابی به اهداف خود از آن بهره گیرد. هر جامعه ای مرکب از دو بعد پنداری و ساختاری است. پندارهای جامعه مجموعه ای از ارزشها، احساسات، طرز تلقی، اعتقادات و نهادها است، و بخش ساختاری جامعه نیز چیزی جز شبکه ای از روابط متقابل انگویی شده نیست. بر اساس پندارها و متناسب با ساختارها مجموع های از هنجارها، عادات، سنن و رسوم نیز در درون ساختار اجتماعی شکل گرفته و جریان می یابد و نهادینه می گردد.

وقتی از سرمایه اجتماعی بحث می شود، منظور آن است که بر اساس بخش پنداری جامعه و به تناسب و در درون ساختار اجتماعی، هنجارها و عادات و سنن یک گروه اجتماعی و یا جامعه اعضاء و افرادی را در خدمت دیگری قرار می دهند. یک جامعه یا گروه زمانی در خدمت فرد یا گروهی قرار می گیرد که با او دارای پیوند ذهنی و عینی باشد، بنابراین سرمایه اجتماعی مستلزم دو جزء پیوندهای ذهنی و پیوندهای عینی است.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

پیوندهای عینی بین افراد که مشارکت های رسمی (عضویت گروهی) و مشارکت های غیر رسمی (رفت و آمد با همسایگان و دوستان) را شامل می شود. پیوندهای عینی به ساختار شبکه عینی بین افراد مربوط می شود که می بایست برقرار کننده ارتباط بین آنها باشد. یعنی افراد در فضای اجتماعی با یکدیگر پیوند دارند.

پیوندهای ذهنی بین افراد در حوزه هیجانات مثبت و اعتماد است. اعتماد در سه حوزه بین فردی، بین قشری و گروهی و اعتماد به نهادها شامل اعتماد به نهادهای آموزشی، قضایی، قانونگذاری و دینی می شود.^{۱۳}

با توجه به اینکه هر دو بعد جامعه موجب بهره مندی کنشگران از منابع اجتماعی می گردد، در تبیین ماهیت سرمایه اجتماعی دو نگرش کلی وجود دارد. برخی آن را به عنوان یک پدیده فرهنگی تعریف می نمایند و می گویند که سرمایه اجتماعی نشان دهنده میزان اهمیت و توجه اعضای جامعه نسبت به امور مدنی و بیانگر وجود هنجارهای اجتماعی مروج کنش جمعی و میزان اعتماد به نهادهای عمومی است. اما برخی دیگر سرمایه اجتماعی را نوعی سرمایه گذاری افراد در شبکه اجتماعی تلقی می کنند.^{۱۴} به نظر می رسد تفکیک این دو حوزه امر دشوار و تحلیل غیرعلمی است. تجلی سرمایه اجتماعی همکاری دیگری است که فرد یا گروه یا نهادی را به اهداف و مطالبات و سود مورد نظر می رساند. این همکاری اولاً مستلزم وجود انگیزه، احساس، تمایل و روحیه همکاری در دیگری است. ثانیاً باید ظرفیت بالقوه برای همکاری مهیا باشد. بخش اول را پیوندهای ذهنی بوجود می آورد، اما بخش دوم چیزی جز شبکه ها و ساختار اجتماعی نیست. شبکه اجتماعی اولاً عواطف را به هم نزدیک می کند، انسانها را به کار جمعی عادت می دهد، هنجارهای کارهای جمعی را می آفریند و می آموزاند، ارزشها و احساسات و نگرشهای خاص را در اعضا درونی می نماید، و هنجارهای خاصی را در بین افراد نهادینه می کند، ثانیاً ارتباط با دیگری و اطلاع رسانی را برای جلب ارتباط و همکاری آسان می نماید، و افراد را به علت حضور در جمع بر انجام کنش های خاصی تشویق و تحریک و یا از آنها منع می نماید. و شاید به همین علت است که روابط اجتماعی هنگامی بوجود می آیند که افراد کوشش می کنند از منابع فردی خود بهترین استفاده را به عمل آورند، یعنی آنها را می توان منابعی برای افراد در نظر گرفت. لوری سرمایه اجتماعی را مجموع منابعی م ی داند که در ذات روابط خانوادگی و در سازمان اجتماعی جامعه وجود دارد.^{۱۵}

مطابق تصویر کلن، سرمایه اجتماعی میراث بر روابط میان افراد و گروه ها است نه خود افراد.^{۱۶} بنابراین می توان نتیجه گیری نمود که : سرمایه اجتماعی برخلاف سایر اشکال سرمایه، به طور ذاتی در ساختار روابط کنشگران با هم و در رابطه بین آنها حضور دارد. این سرمایه در خود کنشگران یا در وسایل فیزیکی تولید ایشان نهفته نیست. سرمایه فیزیکی کاملاً ملموس است و در قالب مادی قابل مشاهده ریخته می شود و سرمایه انسانی نیز کمتر ملموس است و در مهارت ها و دانش اخذ شده بوسیله فرد حضور دارد. اما سرمایه اجتماعی به مراتب ناملموس تر است، زیرا در روابطی که در بین اشخاص برقرار است یافت می شود. ولی همانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی فعالیت مولد را تسهیل می کند. برای مثل گروهی که در میان اعضای آن وفاداری و اعتماد شدید وجود دارد می تواند کارهای بسیار بزرگ تر در مقایسه با گروه دیگری که در میان ایشان اعتماد و وفاداری وجود ندارد انجام دهد.^{۱۷}

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

بررسی و آزمون تأثیر سرمایه اجتماعی بر نظارت همگانی

گفتیم که سرمایه اجتماعی دارای سه بعد فردی، ساختاری و فرهنگی است. و نیز از آنجائیکه گفته شد که نظارت همگانی حداقل دارای سه سازوکار (حضور و مشاهده، تماس با مقامات، پرسش و پاسخ) است. از آنجائیکه بررسی و آزمون همه متغیرهای سرمایه اجتماعی با همه سازوکارهای نظارت همگانی نوشته ای مطول را می طلبد، لذا در اینجا سعی می شود برخی از مولفه های احتمالاً بیشتر مرتبط و قابل سنجش سرمایه اجتماعی، فقط با یک سازوکار نظارت همگانی یعنی "تماس با صاحبان اقتدار" مورد بررسی قرار گیرد.

الف: ارتباط سرمایه اجتماعی در بعد فردی با نظارت همگانی:

مقصود از سرمایه اجتماعی در بعد فردی آن دسته از ویژگی های شخصیتی در افراد است که او را در خدمت دیگران (افراد، گروهها، سازمانها) قرار می دهد و انجام امور دیگران توسط وی تسهیل می گردد. این ویژگیها شامل آگاهی، هویت جمعی، ویژگیهای روانشناختی افراد می باشند.

۱- آگاهی اجتماعی و سیاسی:

به نظر برخی از متفکرین آگاهی اجتماعی یکی از مولفه های سرمایه اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی است. آگاهی موجب افزایش اعتماد به نفس و احساس مسئولیت پذیری و در نتیجه افزایش مشارکت اجتماعی (نظارت همگانی) می شود. لذا سعی شد ارتباط آن با مشارکت در نظارت همگانی سنجیده شود.

در پرسشی که از پاسخگویان در خصوص دوره ها و تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی و انتخابات ریاست جمهوری و تعداد وزرای کابینه سوال شد مشخص گردید، که اولاً؛ میزان متوسط آگاهی پاسخگویان بسیار پایین است، در ثانی میزان آن با مشارکت پاسخگویان در نظارت همگانی رابطه معناداری دارد.

ترکیب جمعیتی که به سوالات پاسخ صحیح دادند عبارتند از:

آگاهی از تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۷۶٪ آگاهی از دوره مجلس شورای اسلامی ۲۷.۴٪

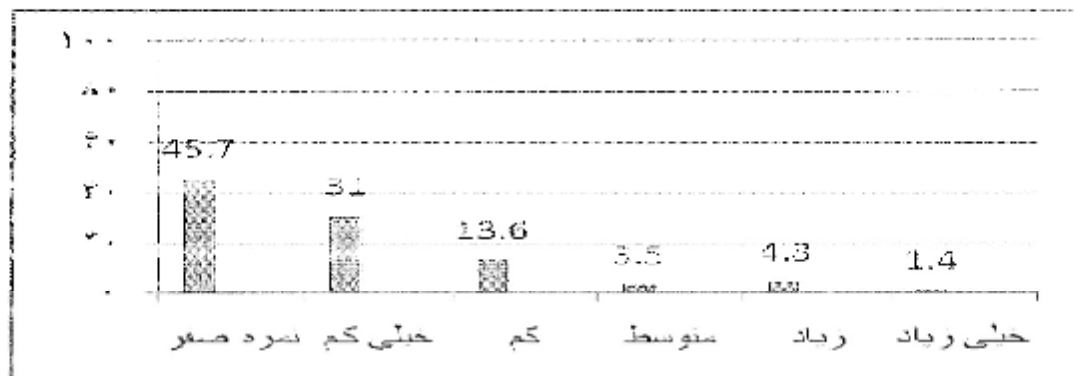
آگاهی از تعداد نمایندگان تهران ۲۲.۷٪ آگاهی از دوره انتخابات ریاست جمهوری ۴۴.۸٪

آگاهی از تعداد وزرای کابینه ۵.۵٪ پاسخگویان را تشکیل می دهد.

پس از احتساب ضرایب مربوط به گویه ها و بدست آوردن متوسط آگاهی، مشخص گردید که معدل نمره آگاهی سیاسی پاسخگویان ۱۰۰.۸ از ۵ یا نمره ۴.۳ از نمره ۲۰ می باشد. در این پرسش مجموع نمره آگاهی ۱۵ بود، که برای دسته بندی افراد پاسخگو بر اساس آگاهی، آن را به شش قسمت: اصلاً (نمره صفر)، خیلی کم (نمرات: ۱-۲-۳)، متوسط (نمرات: ۴-۵-۶)، زیاد (نمرات: ۱۰-۱۱-۱۲) خیلی زیاد (نمرات: ۱۳-۱۴-۱۵) تقسیم نمودیم. ترکیب کسب کنندگان نمره آگاهی در هر یک از سطوح به قرار زیر است: ۴۵.۷٪ نمره صفر، ۳۱٪ به میزان خیلی کم، ۱۳.۶٪ کم، ۳.۵٪ دارای آگاهی متوسط، ۴.۸٪ دارای آگاهی زیاد و ۱.۴٪ نیز دارای آگاهی خیلی زیاد هستند.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

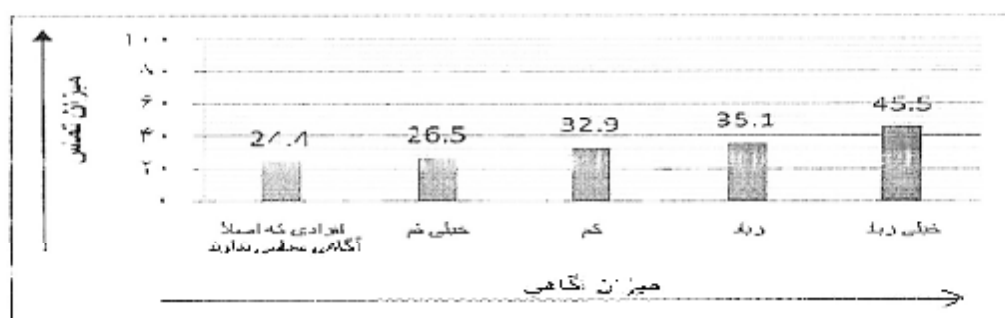
میزان آگاهی عمومی در جامعه نمونه



برای سنجش میزان مشارکت افراد در نظارت همگانی بر اساس سازوکار تماس با مسئولان و صاحبان اقتدار، از آنها پرسیده شد که "آیا در طول یک سال گذشته در مواجهه با مسائل و مشکلات سیاسی و اجتماعی محلی یا ملی در صدد برآمدید که با مسئول تماس بگیرید و یا نامه ای برای آنها بنویسید؟" در پاسخ فقط ۲۷٪ پاسخ مثبت (بله) را برگزیدند و ۷۳٪ پاسخ منفی (خیر) را انتخاب نمودند. بنابراین می توان گفت که فقط یک چهارم جامعه در نظارت همگانی در یک فرایند ساده شرکت دارند.

وفتی رابطه بین آگاهی و میزان تماس را بر اساس مدل آزمون "کای" (Chi-square tests) می سنجیم سطح معناداری عدد ۰.۰۲۷ را نشان می دهد که نشان دهنده معناداری است. جدول نیز نشان می دهد که فقط ۲۴.۴٪ افرادی که اصلاً آگاهی سیاسی نداشتند و ۲۶.۵٪ از افراد دارای آگاهی خیلی کم، ۳۲.۹٪ افراد دارای آگاهی کم اظهار داشتند که این تماس را داشتند، در حالی که ۲۵.۱٪ افراد دارای آگاهی زیاد و ۴۵.۵٪ افراد دارای آگاهی خیلی زیاد اظهار نمودند که درصدد این تماس برآمدند. یعنی بطور متوسط ۲۷.۹۳٪ افراد دارای آگاهی متوسط به پایین درصدد این تماس برآمدند، در حالی که ۳۰.۳٪ افراد دارای آگاهی متوسط به بالا اظهار داشتند که این تماس را انجام دادند.

ارتباط آگاهی با مشارکت در نظارت همگانی



سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

پس هرچه که آگاهی اجتماعی و سیاسی افراد پیشتر می شود میزان مشارکت آنها در نظارت همگانی نیز بیشتر می شود.

۲. هویت جمعی:

احساس عضویت و تعلق و تعهد یک فرد به جمع یا گروه یا جامعه ای مشخص را هویت جمعی می گویند. هویت جمعی یعنی احساس و اعتقاد به وجود یک "ما" در مقابل "ما" های دیگر. وجود هویت جمعی دارای دو شاخص مهم همگرایی در درون و همبستگی در بیرون است. خاستگاه این دو نیز تعلق، تمایل، محبت و عصبیت و تعهدی است که در میان جمع وجود دارد. پنداشت هرگونه هویت جمعی یعنی اینکه فردیتی وجود ندارد، آنچه که هست جمع است، بنابراین هر گونه تلاش و کوشش افراد برای بقا و تقویت خود در قالب کوشش برای بقا و تقویت جمع تبلور می یابد، و فرد از هرگونه هزینه ای برای تصحیح و تکامل فرایند حیات و سرزندگی آن جمع دریغ نمی کند.

هویت جمعی به تناسب گروههای متوازی، متداخل، اعم و اخصی که فرد خود را عضو آن می داند و بدانها تعلق و تعهد دارد دارای تنوع و ترتیبات متعدد است. اولین مرتبه هویت جمعی را هویت خانوادگی و بالاترین مرتبه آن را هویت جهانی تشکیل می دهد. هویتهای گروههای حرفه ای، قومی، زبانی، سرزمینی، هویت ملی، ایدئولوژیک، سیاسی مثل احزاب.... هویتهای جمعی متفاوتی هستند که فرد می تواند در یک یا چند گروه عضویت داشته و نسبت به آن تعلق و تعهد داشته باشد.

انسان نسبت به هر جمعی که تعلق و تعهد بیشتری داشته باشد، میزان حساسیت و توجه او به سلامت و پایداری آن جمع بیشتر خواهد بود و در نتیجه مشارکت اجتماعی بیشتری نسبت به آن جمع از خود نشان می دهد. هویت جمعی خانوادگی موجب توجه و سرمایه گذاری و انجام هزینه و مراقبتهای ویژه برای اعضاء خانواده می گردد، و هویت جمعی مدنی و یا ملی نیز این پیامدها را در سطح جامعه وسیعتر یعنی شهر و کشور دارد، همچنانکه هویت های سیاسی، حزبی و قومی نیز موجب حضور فعال و مصححانه در احزاب و گروههای سیاسی و رفتارهای مشارکت سیاسی می شود.

نظارت همگانی اعضاء یک گروه بر فرایندهای مدیریتی و حجتی آن هنگامی به وقوع می پیوندد که هویت گروهی در آن گروه شکل گرفته باشد، یعنی احساس وابستگی به گروه به همراه آگاهی از ویژگیهای آن گروه در اعضاء بوجود آمده باشد. هویت گروهی تبدیل به نظامی عقاید می شود که منجر به پیشتر شدن فعالیت در حوزه مشارکت اجتماعی می گردد. اشخاصی که هویت گروهی و یا جمعی گسترده از خود نشان می دهند، فعالانه تر مشارکت می کنند. رابطه بین احساس هویت گروهی (جمعی) با مشارکت اجتماعی مستقل از تأثیر عوامل اجتماعی اقتصادی است.^{۱۸}

برای سنجش ارتباط میان هویت جمعی و میزان مشارکت در نظارت همگانی از پاسخگویان پرسیده شد:

"نسبت به هر یک از اجتماعات (جوامع) زیر چه نوع احساسی و به چه میزان دارید؟"

در پاسخ به این پرسش پنج گزینه وجود داشت که دارای معانی زیر بودند: احساس نیاز و وابستگی = خیلی کم، تعلق و عضویت = کم، تعهد و احساس مسئولیت = متوسط، دوستی و علاقه مندی = زیاد، عشق و دلبستگی = خیلی زیاد. و برای هر یک از انواع هویت جوامع زیر نامبرده

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

شد: هویت خانوادگی = اعضای خانواده و خویشاوندان، هویت اجتماعی = گروه دوستان، رفقا، همسایگان، هویت قومی = هم قوم و هم زبان، هویت دینی و امّی = هم دین و هم مسلک، هویت سیاسی = هم فکّران سیاسی و اجتماعی و هویت ملی = هر ایرانی.

"نسبت به هر یک از اجتماعات (جوامع) زیر چه نوع احساسی دارید؟"

ردیف	نوع هویت	سطح هویت						مستند است
		احساس نگر و وابستگی اخلاقی	تعلق (عضویت)	تعهد و احساس مسئولیت (مستند)	دوستی و علاقه مندی (زیاد)	عشق و دلبستگی (زیاد)	سطح معناداری	
۱	اعضاء خانواده و خویشاوندان (هویت خانوادگی)	-	۶۴٪	۱۶٫۴٪	۷۲٫۲٪	۸٫۷٪	۰٫۴۲۷	خیر
۲	گروه دوستان و رفقا و همسایگان (هویت اجتماعی)	-	۶۹٫۳٪	۵۰٫۲٪	۱۴٪	۱۶٫۴٪	۰٫۰۰۹	بله
۳	هم قوم و هم زبان (هویت قومی)	۶۰٫۵٪	۲۸٫۳٪	۳۶٪	۳۳٫۳٪	۲۲٪	۰٫۰۰۰	بله
۴	هم دین و هم مسلک (هویت دینی و امّی)	-	۱۸٫۸٪	۳۶٫۲٪	۴۶٫۶٪	۱۸٫۴٪	۰٫۰۰۰	بله
۵	هم فکّران اجتماعی سیاسی (هویت سیاسی)	۶۰٫۲٪	۲۸٪	۲۹٫۲٪	۱۷٫۶٪	۲۴٫۹٪	۰٫۰۰۰	بله
۶	هر ایرانی (هویت ملی)	-	۲۰٫۵٪	۳۷٫۲٪	۲۵٫۱٪	۱۷٫۱٪	۰٫۰۰۱	بله

جدول: هویت ملی

همانطور که جدول نشان می دهد، بجز یک هویت جمعی (هویت خانوادگی)، بقیه هویت های جمعی با میزان مشارکت در نظارت همگانی رابطه معناداری دارند. معناداری هویت قومی، هویت امّی و هویت سیاسی کامل می باشد، بعد از آن هویت ملی (با ضریب ۰٫۰۰۱) و سپس هویت اجتماعی (با ضریب ۰٫۰۰۹) قرار دارند.

بنابراین هرچه که هویت جمعی در حوزه های فراتر از خانواده بیشتر باشد، میزان مشارکت و نظارت همگانی نیز بیشتر خواهد بود. نگاهی به جدول نشان می دهد که در سه هویتی که ارتباط کاملاً معنادار است عشق و دلبستگی (هویت جمعی خیلی زیاد) تعداد بیشتری از پاسخگویان را شامل می شود (هویت سیاسی = ۲۴٫۹٪، هویت قومی = ۲۲٪، هویت امّی = ۱۸٫۴٪ پس از آن هویت ملی ۱۷٫۱٪ جمعیت) قرار دارد که سطح معناداری (sig) آن ۰٫۰۰۱ است و سپس هویت اجتماعی قرار می گیرد که جمعیت پاسخگوی آن ۱۶٫۴٪ می باشد و سطح معناداری آن نیز ۰٫۰۰۹ است. در هویت خانوادگی که رابطه معناداری ندارد (sig = ۰٫۴۲۷)

تعداد پاسخگویان به این گزینه نیز بسیار اندک هستند (۸٫۷٪).

۳- ویژگی های روانشناختی (بدبینی و اعتماد)

هر گونه کنش فردی یا اجتماعی در فرد دارای دو خاستگاه ذهنی و روانشناختی است. (اگر منبع سوم یعنی فیزیولوژیک را در نظر نداشته باشیم). حوزه ذهنی شامل مجموعه عقاید، نگرش ها است، اما حوزه روانشناختی شامل مباحثی نظیر هنجارگرایی، بی هنجاری، احساس تأثیرگذاری و از خود بیگانگی می شود.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

از خود بینگانی را می توان به مثابه احساس نسبتاً دیرپا و عمیقاً مستقر بینگانی، واردگی، منفی گرایی در نظام اجتماعی یا بخشهای مهمی از نظام سیاسی تعریف کرد. افرادی که احساس از خود بینگانی می کنند نظام سیاسی را شایسته حمایت خود ندیده و آن را قبول ندارند. در عوض شهروندان وفادار، از نظام سیاسی ارزیابی مثبتی داشته و معتقدند که نظام اجتماعی و سیاسی شایسته حمایت و ادعای آنان است. ۱۱ از خود بینگانی دو مدل قابل تفکیک دارد:

۱- از خود بینگانی مرتبط با رژیم (پی هنجاری)

۲- از خود بینگانی مرتبط با حکومت و رهبران موجود یا سیاستهایی که آنان تعقیب می کنند. ۱۲

از میان مؤلفه های متعدد حوزه روانشناختی فقط تأثیر و ارتباط مؤلفه اعتماد را بر نظارت همگانی سنجیدیم، چرا که به نظر همه صاحب نظران سرمایه اجتماعی، اعتماد از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی است. بدینی و بی اعتمادی نوعی از خود بینگانی است حس بی اعتمادی به افراد، اقشار، حکومت و رهبران سیاسی کشور شامل می شود. اعتماد به معنای باور به عملی است که از دیگران انتظار می رود. این باور بر مبنای این احتمال است که (گروه های بخصوص از) دیگران کارهای بخصوص را انجام می دهند، یا از انجام کارهای بخصوص پرهیز می کنند، که در هر صورت بر رفاه دیگران یا بر رفاه یک جمع اثر می گذارد. اعتماد به معنای این باور است که دیگران، با اقدام یا خود داری از اقدام خود به رفاه من اما کمک می کنند. ۱۳

هرچند عده ای از منتقدان شک دارند که آیا اعتماد یکی از عناصر تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی است یا محصول آن؟ و در این راستا معتقدند که باید اعتماد را به عنوان عاملی مستقل در نظر آوریم که نتیجه سرمایه اجتماعی است، نه جزء جدایی ناپذیر آن. ۱۴ اما متفکرین اصلی نظریه سرمایه اجتماعی نظیر کلمن و پاتنام معتقدند که اعتماد یکی از کلیدهای اصلی سرمایه اجتماعی است. محققى مثل فوکویاما پا را از این هم فراتر نهاده و اعتماد را پایه و اساس سرمایه اجتماعی می داند، به نظر او: سرمایه اجتماعی توانایی برخاسته از سطح اعتماد در جامعه یا قسمتی از جامعه است. ۱۵ وی معتقد است: اعتماد، پایه اصلی نظم اجتماعی است: اجتماعات بر اساس اعتماد دو طرفه استوار هستند و بدون آن خلق الساعه بوجود نمی آیند. ۱۶ اهمیت اعتماد در جنبه های مختلفی از ارتباطات یا دیگران از جمله: تأمل در گزارش یک جرم، تصمیم در چگونگی دادن و تصمیم گیری در مورد رعایت یا عدم رعایت حفظ محیط زیست قابل توجه است. اعتماد به مثابه روغن کاری چرخ های مبادلات اجتماعی و اقتصادی است که بدون آن امور پرهزینه، توأم با کاغذ بازی و وقت گیر خواهد بود و این وضوح به شدت به مفهوم سرمایه اجتماعی مرتبط است که مؤید راه شیکه ها در دسترسی به منابع است. ۱۷ بنابراین اعتماد به عنوان یکی از عناصر مهم و اصلی سرمایه اجتماعی پذیرفته است.

اعتماد را از جهت مختلفی می توان به ابعاد متعدد تقسیم نمود. اعتماد اجتماعی، یا فرض کلی رأفت یا دست کم پرهیز از دشمنی از جانب رابطه متقابل را می توان از جنبه های ترکیب دوگانه توده / انجبه و افقی / عمودی در چهار حوزه ملاحظه نمود. نخستین حوزه اعتماد شهروندان به همشهری های خود یا مقوله فرعی (Sub-Category) دنیای (Universe) «دیگران» است، که به آن اعتماد بین فردی و

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

نیز اعتماد تعمیم یافته می گویند. حوزه دوم اعتماد به نخبگان سیاسی یا نخبگان سایر بخشها (از قبیل نمایندگان مساجد، رسانه ها، پلیس، نظام دادگاه، ارتش یا پزشکان) است که به آن اعتماد نهادی نیز گفته می شود. اعتماد نخبگان به یکدیگر و نخبگان دیگر بخشها از قبیل نخبگان بخشهای تجاری، کارگری، دینی، دانشگاهی، ارتش و غیره سومین حوزه اعتماد را تشکیل می دهد و چهارمین حوزه، اعتماد، سطوح بالا با سطوح پایین جامعه است که در آن نخبگان درباره گرایشهای رفتاری عناصر بخشهای مختلف یا کل توده ها به باورهای دست می یابند^{۲۶}.

از میان چهار سطح اعتماد فوق، اعتماد نهادی نقش اساسی را در مشارکت اجتماعی و نظارت همگانی دارد و آن عبارتند از میزان مقبولیت، کارایی، رضایت و اعتمادی که مردم نسبت به دولت، ادارات دولتی و کارکنان آن دارند^{۲۷}. حس بی اعتمادی به حکومت و رهبران سیاسی کشور بدترین عامل برای مشارکت اجتماعی و سیاسی از جمله نظارت همگانی است. شهروندان با اعتماد بیشتر معتقد هستند که فعالیتهای حکومت در جهت بهبود اوضاع است. سیاست کلاً کثیف نیست، و اینکه صاحب منصبان دولتی برای رفاه شهروندان کار می کنند. در عوض شهروندان بی اعتماد، مایلند فکر کنند که مردم غالباً بازیچه دست سیاستمداران هستند، رهبری کشور فاسد و خودخواه است، و اینکه منافع خاص، قدرت را اداره می کنند^{۲۸}.

برای سنجش رابطه میان انواع اعتماد با میزان مشارکت در نظارت همگانی به اعتماد بین فردی، تعمیم یافته و نهادی پرداخته شد. در پرسش مربوط به اعتماد بین فردی از پاسخگویان خواسته شده بود تا میزان اعتماد خود را به بستگان و فامیل درجه یک و دو، همسایگان، دوستان و رفقا، همکاران، ایرانی ها، هم فکریهای سیاسی و اجتماعی مشخص نمایند. برای سنجش اعتماد تعمیم یافته از پاسخگویان خواسته شد تا میزان اعتماد خود را نسبت به اقتدار اجتماعی نظیر مصلحان و اساتید دانشگاه، روحانیون و حوزویان، کارمندان دولتی، دانشجویان، مدیران دولتی، کارگزاران، روشنفکران، هنرمندان، روزنامه نگاران و خبرنگاران، بازاریابان و کسبه و فعالین سیاسی و سیاستمداران اعلام کنند. برای سنجش اعتماد نهادی نیز ابتدا از میزان اعتماد پاسخگویان نسبت به بیست نهاد و سازمان دولتی و غیردولتی در حوزه های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، دینی و رفاهی سوال شد. (انها عبارتند از: بانکهای دولتی، بانکهای خصوصی، مدارس دولتی، مدارس غیر انتفاعی، دانشگاههای خصوصی، سپاه و پایگاههای بسیج، مساجد و نهادهای دینی، مراجع قضایی، استانداری و فرمانداری، احزاب و تشکلهای سیاسی، بیمارستانهای دولتی، بیمارستانهای خصوصی، شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، شوراهای اسلامی شهر و روستا، ارگانهای نظامی و انتظامی، شهرداریها و صدا و سیما). و در پرسش دیگری از میزان اعتماد مردم به مسئولان در خصوص اطلاع رسانی صحیح و صحت و سلامت انتخابات سوال شد.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

ردیف	عنوان	مجموعه	تعداد	میانگین	تعداد	میانگین	تعداد	میانگین	تعداد	میانگین
۱	اعتماد بین فردی	به هر یک از افراد زیر تا چه اندازه اعتماد دارید؟ در میان دوستان و فامیل و همکاران و همکاران و دوستان و فامیل و همکاران و همکاران و دوستان و فامیل و همکاران	تعداد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۲	اعتماد اجتماعی	به هر یک از افراد زیر تا چه اندازه اعتماد دارید؟ در میان دوستان و فامیل و همکاران و همکاران و دوستان و فامیل و همکاران و همکاران و دوستان و فامیل و همکاران	تعداد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۳	اعتماد نهادی	به هر یک از سازمانها و نهادهای زیر تا چه اندازه اعتماد دارید؟ در میان دوستان و فامیل و همکاران و همکاران و دوستان و فامیل و همکاران و همکاران و دوستان و فامیل و همکاران	تعداد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۴	اعتماد بین فردی	به هر یک از افراد زیر تا چه اندازه اعتماد دارید؟ در میان دوستان و فامیل و همکاران و همکاران و دوستان و فامیل و همکاران و همکاران و دوستان و فامیل و همکاران	تعداد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۵	اعتماد اجتماعی	به هر یک از افراد زیر تا چه اندازه اعتماد دارید؟ در میان دوستان و فامیل و همکاران و همکاران و دوستان و فامیل و همکاران و همکاران و دوستان و فامیل و همکاران	تعداد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

هر چند داده های مربوط به سطح معناداری نشان می دهد که میان اعتماد بین فردی و نیز اعتماد تعمیم یافته با میزان مشارکت در نظارت همگانی رابطه معناداری وجود ندارد. اما اعتماد نهادی بویژه اعتماد نهادی سیاسی با مشارکت در نظارت همگانی رابطه معنادار دارند. و در بررسی دقیق تر اعتماد نهادی، مشخص گردید که میان اعتماد نسبت به نهادهای فرهنگی با میزان مشارکت در نظارت همگانی رابطه ای وجود ندارد؛ بلکه صرفاً بین اعتماد نسبت به نهادهای سیاسی با نظارت همگانی رابطه معنادار وجود دارد.

اما نکته‌ی به داده‌ها و اعداد و ارقام بیانگر آن است که در همه مؤلفه‌های مربوط به اعتماد، (به غیر از مؤلفه انتخابات)، به موازات افزایش اعتماد تا سطح متوسط، میزان تماس یعنی مشارکت در نظارت‌های همگانی نیز سیر صعودی دارد و پس از آن سیر نزولی پیدا می‌کند. چنانکه ملاحظه می‌شود در اعتماد زیاد میزان تماس کمتر از تماس در سطح اعتماد متوسط می‌شود و در اعتماد خیلی زیاد نیز، میزان مشارکت بسیار کاهش می‌یابد. اما در مؤلفه انتخابات این سیر صعودی تا اعتماد زیاد نیز ادامه می‌یابد و در اعتماد خیلی زیاد مقداری کاهش می‌یابد (تحلیل و درک علت این امر نیاز به پژوهش و مطالعات‌های مکمل دارد). بنابراین تفاوتی میان مؤلفه‌های اعتماد بین فردی و تعمیم یافته و نهادی از جهت تأثیرگذاری و مشارکت اجتماعی وجود ندارد.

ب: ارتباط سرمایه اجتماعی در بعد ساختاری با نظارت همگانی:

مقصود از سرمایه اجتماعی در بعد ساختاری مجموعه روابط اجتماعی افقی و عمودی در سطح جامعه، بویژه نوع ساختار و سازمان یافته آن یعنی شبکه اجتماعی است. هر سه متفکر مشهور سرمایه اجتماعی (کلمن، بوردیو، پائتام) معتقدند که سرمایه اجتماعی شامل ارتباطات

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

شخصی، کنش و واکنش تعاملی، به همراه مجموعه ای از ارزشهای مشترک در این پیوندها است ۲۹. به نظر بوردیو؛ حجم سرمایه اجتماعی مورد تملک یک فرد یا سازمان به اندازه شبکه پیوندهایی بستگی دارد که او می تواند به طرزی موثر بسیج کند، به عبارت دیگر به تعداد ارتباطات فعال مرتبط است، ضمن آنکه وابسته است به حجم سرمایه (اقتصادی، فرهنگی، نمادین) در تصرف کسانی که وی با آنان مرتبط است ۳۰. البته به نظر کلمن اگر دو ویژگی در روابط اجتماعی وجود داشته باشد، در آن صورت می تواند منابع سرمایه ای سودمندی را برای افراد تشکیل دهد:

الف: « میزان درخور اعتماد بودن محیط اجتماعی؛ به این معنی که تعهدات بازپرداخت خواهند شد.

ب: میزان واقعی تعهداتی که بر عهده گرفته شده است» ۳۱.

همچنین به نظر او، روابط اجتماعی حداقل دو سرمایه مهم در اختیار فرد یا سازمان قرار می دهند که او هم به آنها نیاز دارد و هم می تواند از آنها بهره گیرد.

اول: آنکه یکی از انواع روابط اجتماعی، روابط اقتدار است. در اینگونه روابط اگر کنشگر «الف» حقوق کنترل کنش های مبنی را به کنشگر دیگری، «ب» انتقال داده باشد، در آن صورت «ب» سرمایه اجتماعی به صورت آن حقوق کنترل در اختیار دارد. اگر عده ای کنشگر حقوق کنترل مشابهی را به «ب» انتقال داده باشند، آنگاه «ب» مقدار زیاد سرمایه اجتماعی در اختیار دارد، که می تواند بر فعالیت های معینی تمرکز کند. بدیهی است این امر قدرت زیادی به «ب» می دهد ۳۲.

دوم: سرمایه اجتماعی دیگری که روابط اجتماعی در اختیار فرد یا سازمان قرار می دهد «اطلاعات» است. یک شکل مهم سرمایه اجتماعی ظرفیت بالقوه اطلاعات است که جزء ذاتی و جدایی ناپذیری از روابط اجتماعی است. اطلاعات در فراهم ساختن شالوده ای برای کنش مهم است، اما بدست آوردن اطلاعات پرهزینه است. یکی از وسایلی که از طریق آن اطلاعات ممکن است کسب شود استفاده از روابط اجتماعی است که برای مقاصد دیگر حفظ می شود. مثلاً فردی که عمیقاً به رویدادهای جاری علاقه مند نیست اما مایل است درباره تحولات مهم اطلاع داشته باشد، چنانچه بتواند اطلاعاتی را که نیاز دارد از دوستی که به این گونه مسائل توجه نشان می دهد دریافت کند می تواند در وقت لازم برای خواندن روزنامه صرفه جویی کند. روابط از این جهت که اطلاعاتی که فراهم می سازند ارزشمند است، نه برای «برگه های اعتباری» که به صورت تعهداتی که فرد برای عملکرد دیگران دارد فراهم می کنند ۳۳.

علاوه بر موارد مذکور، تجربه ثابت نموده است که روابط اجتماعی موجب ایجاد محبت، دوستی و علاقه مندی بین افراد می گردد که هر یک از طرفین رابطه می تواند از توانایی ها و منابع بالقوه و بالفعل دیگری در مواقع لزوم بهره گیرد.

هرگاه ارتباطات ساختار و سازمان مشخصی به خود بگیرند، تبدیل به شبکه اجتماعی می شوند. عضویت در شبکه ها و مجموعه ای از ارزش های مشترک، هسته اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی است. گفتگو در مورد این پدیده های اجتماعی به عنوان نوعی «سرمایه» گفتگو از دو خاصیت منضاد است. از یک طرف اشاره ای است به تقبی آنها به عنوان یک منبع، حتی به عنوان یک منبع قدرت یا تأثیر که ریشه در

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

چیدمان اجتماعی خاص دارد. از طرف دیگر ارتباطات، توقع از دیگران را نیز بوجود می آورد و به همان دلایل، دیگران را نیز نسبت به شما متوقع می کند ۳۴. لذا از بعد اول برای هر فرد یا سازمانی سرمایه اجتماعی محسوب می شود.

اهمیت شبکه های اجتماعی ارتباطی تا آنجا است که بورديو در یک جا سرمایه اجتماعی را مترادف با آن تعریف می کند. سرمایه اجتماعی، جمع منابع واقعی یا بالقوه ای است که حاصل از شبکه با دوام از روابط کما بیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل -یا به بیان دیگر، با عضویت در یک گروه-است. شبکه ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می کند، و آنان را مستحق «اعتبار» می سازد ۳۵.

شبکه های اجتماعی به این علت سرمایه اجتماعی محسوب می شوند که «بیشتر مردم را به همکاری و اعتمادپذیری در برخوردهایشان تشویق می کنند» تا شرایط کاملاً تمیز شده و انفرادی (ناشی از پی جویی نفع شخصی) ۳۶.

البته همه گونه شبکه اجتماعی سرمایه اجتماعی محسوب نمی شوند برای اینکه شبکه اجتماعی را به دو گونه شبکه افقی و عمودی تقسیم می نمایند شبکه های افقی شبکه هایی هستند که شهروندان برخوردار از وضعیت و قدرت برابر را دور هم جمع می کنند. شبکه های مشارکت مدنی از جمله انجمن های همسایگی، کانون های سرودخوانی، تعاونیها، باشگاه های ورزشی، احزاب، توده ی و جزء و این گروه از شبکه های اجتماعی محسوب می شوند. شبکه های مشارکت مدنی یکی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی می باشند. هرچه این شبکه ها در جامعه ای متراکم تر باشند احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندانش بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند ۳۷. شبکه های عمودی، شهروندان نابرابر را بوسیله روابط نابرابر مبتنی بر سلسله مراتب و وابستگی به هم پیوند می دهند. یک شبکه عمودی یا سلسله مراتبی نمی تواند اعتماد و همکاری اجتماعی را برقرار کند. جریان عمودی اطلاعات اغلب غیر موثق تر از جریان افقی اطلاعات هستند و بخشی از آن بدین دلیل است که اطلاعات قابل اتکاء و درست مانعی برای بهره کشی و استعمار محسوب می شد، مهم تر اینکه مجازات هایی که از هنجارهای معامله متقابل در مقابل تهدید فرصت طلبی حمایت می کنند در شبکه های عمودی، کم تر برای مقامات عالی وضع می شوند و اگر هم وضع شوند کمتر اجرا می گردند. تنها یک تبعه جسور و بی باک که فاقد پیوندهای همبستگی با طبقات بالا است در صدد مجازات یک مقام عالی برخورد آمد. به عنوان مثال: یکی از انواع شبکه اجتماعی از این نوع، روابط حامی- کارگزار است که در آن دوستی یک طرفه است. پیوندهای عمودی حامی پروری، سازمان و همبستگی جمعی افقی کارگزارها و حامی ها (اما پویزه کارگزارها) را تضعیف می کند. دو کارگزار یک حامی که فاقد پیوندهای مستقیم هستند به یکدیگر هیچ تعهدی ندارند. آنها با هم معامله ای ندارند که برای مقابله با عهدشکنی متقابل تعهد بسمارند و باز رابطه ای ندارند که بابت آن از بیگانگی متقابل بترسند. آنها هیچ نیازی به ایجاد یک هنجار معامله متقابل عمومی ندارند و در تاریخ گذشته شان نیز هیچ سابقه ای از همکاری متقابل وجود ندارد که از آن عبرت آموزی کنند. در روابط عمودی حامی- کارگزار که در آن به جای رابطه متقابل دوطرفه رابطه وابستگی یک طرفه حاکم است فرصت طلبی هم از جانب حامی (بهره کش) و هم از جانب کارگزار (عهدشکنی و فریبکاری) بسیار متحمل است ۳۸.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

دو دسته شبکه های اجتماعی به عنوان مؤلفه های سرمایه اجتماعی مطرح هستند. اول شبکه های اجتماعی که فرد در گذشته عضو آن بوده است، و دوم شبکه های اجتماعی که او در حال حاضر عضو آن است. شبکه های اجتماعی گذشته از این جهت سرمایه اجتماعی محسوب می شوند که موجب آموزش بسیاری از مهارت ها، هنجارها، پنداشت ها، روحیات و ... و نیز یافتن دوستان و ایجاد روابط می گردند. اما عضویت کنونی در شبکه های اجتماعی موجب فراهم آوردن اطلاعات و حمایت ها توسط اعضا به یکدیگر می گردد. بدین جهت برای بررسی ارتباط میان شبکه های اجتماعی با میزان مشارکت در نظارت همگانی هم عضویت فرد در هنگام تحصیل در شبکه های اجتماعی و هم عضویت و همکاری کنونی او را در یکی از گروه های اجتماعی مورد بررسی قرار دادیم.

یکی از انواع شبکه های اجتماعی که فرد در گذشته می تواند در آن عضویت داشته باشد، تشکلهای دوران دانش آموزی و دانشجویی هستند. داده ها حاکی از آن است که ۲۶.۵٪ پاسخگویان اظهار داشتند که در مدارس آنها این تشکلهای وجود داشتند که در میان این پاسخگویان ۲۸.۵٪ از افرادی که عضو تشکلهای دانش آموزی بودند و ۲۹.۴٪ افرادی که عضو هیچ تشکلی در دوران دانش آموزی نبودند، در طول یک سال گذشته با مسئولان جهت حل مشکل تماس داشتند و آزمون کای نیز رابطه معنی داری ($\text{sig} = 0.008$) را نشان می دهد.

عضویت در تشکلهای دوران دانشجویی نیز رابطه معناداری ($\text{Sig} = 0.000$) بیشتری را نشان می دهد. چرا که ۴۳.۴٪ افرادی که عضو یکی از تشکلهای دوران دانشجویی بودند و ۲۵.۳٪ افرادی که عضو هیچیک از تشکلهای نبوده اند در طول سال گذشته با مسئولان تماس داشتند.

ردیف	عنوان	عضویت	تماس با مسئولان در طول یک سال گذشته	سطح معناداری	رابطه معناداری
۱	عضویت در تشکلهای دوران دانش آموزی	بلی	۳۸.۵٪	۰.۰۰۸	دارد
		خیر	۲۹.۴٪		
			۶۱.۵٪		
۲	عضویت در تشکلهای دوران دانشجویی	بلی	۴۳.۴٪	۰.۰۰۰	دارد
		خیر	۲۵.۳٪		
			۷۴.۷٪		

بنابراین افرادی که در دوره تحصیل خود در یکی از تشکلهای (شبکه اجتماعی) عضویت داشته اند، مشارکت بیشتری در نظارت همگانی و مشارکت اجتماعی دارند.

علاوه بر عضویت در شبکه های اجتماعی در گذشته، عضویت در شبکه های اجتماعی کنونی نیز احتمالاً رابطه معنادار و تأثیرگذاری بر میزان مشارکت شهروندان در نظارت همگانی دارد. افراد می توانند عضو یکی از گروههای نظیر شورای محله، گروههای صنفی، انجمن های ادبی و یا هنری و علمی، انجمن های ورزشی و تفریحی، احزاب و گروههای سیاسی، بسیج، گروههای خانوادگی، انجمن اولیاء و مربیان، گروههای خیریه، گروههای قومی و زبانی و انجمن های مذهبی باشند. این تشکلهای می توانند به عنوان نوعی از شبکه های اجتماعی با مشارکت اجتماعی و نظارت همگانی رابطه معناداری داشته باشند.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

ردیف	اسامی گروه‌ها و شبکه های اجتماعی	عضویت	انسان یا مسئولان در طول یک سال گذشته		سطح معناداری (Sig)	رابطه معناداری
			بله	خیر		
۱	شوری محله	بله	۳۷.۳	۶۲.۷	۰.۰۳۳۸	دارد
		خیر	۲۶.۹	۷۳.۱		
۲	گروههای صنعتی	بله	۳۱.۹	۶۸.۱	۰.۰۳۳۳	ندارد
		خیر	۲۶.۵	۷۳.۵		
۳	انجمن های ادبی، هنری، علمی	بله	۳۹.۱	۶۰.۹	۰.۰۳۳	دارد
		خیر	۲۶.۵	۷۳.۵		
۴	انجمن های ورزشی و تفریحی	بله	۳۱.۱	۶۸.۹	۰.۱۹۳	ندارد
		خیر	۲۶.۱	۷۳.۹		
۵	احزاب و گروههای سیاسی	بله	۵۲.۵	۴۷.۵	۰.۰۰۰	دارد
		خیر	۲۶.۴	۷۳.۶		
۶	بسیج	بله	۳۶	۶۴	۰.۰۰۰	دارد
		خیر	۲۵.۸	۷۴.۲		
۷	گروههای خانوادگی	بله	۳۲.۹	۶۷.۱	۰.۰۳۶	دارد
		خیر	۲۶	۷۴		
۸	انجمن ولیه و مربیان	بله	۳۵.۲	۶۴.۸	۰.۰۲۷	دارد
		خیر	۲۶.۶	۷۳.۴		
۹	گروههای خیریه	بله	۳۳.۳	۶۶.۷	۰.۰۱۳	دارد
		خیر	۲۵.۱	۷۴.۹		
۱۰	گروههای قومی و زبانی	بله	۴۲.۳	۵۷.۷	۰.۰۰۰	دارد
		خیر	۲۵.۴	۷۴.۶		
۱۱	انجمن های مذهبی	بله	۳۶.۶	۶۳.۳	۰.۰۰۰	دارد
		خیر	۲۴.۵	۷۵.۵		

همانطوریکه در جدول مشاهده می شود، عضویت در سه گروه سیاسی و مذهبی (احزاب و گروههای سیاسی، بسیج، مذهبی) با نظارت همگانی دارای رابطه کلاً معنادار ($Sig = ۰.۰۰۰$) می باشند، پس از آن عضویت در گروههای قومی ($Sig = ۰.۰۰۱$)، گروههای خیریه ($Sig = ۰.۰۱۳$)، انجمن های ادبی، هنری، علمی ($Sig = ۰.۰۲۳$)، انجمن اولیاء و مربیان ($Sig = ۰.۰۲۷$) و گروههای خانوادگی ($Sig = ۰.۰۳۶$) با نظارت همگانی دارای رابطه معناداری هستند، اما عضویت در گروههای صنفی ($Sig = ۰.۳۳۳$) هیچگونه رابطه معناداری را نشان نمی دهند. بنابراین عضویت در ده تشکل از یازده تشکل به عنوان سرمایه اجتماعی با مشارکت در نظارت همگانی رابطه معنادار دارند، که در این میان نقش گروههای سیاسی، مذهبی بسیار بارز است.

ج: سرمایه اجتماعی در بعد فرهنگی: (پنداشته ها، ارزش ها و هنجارها)

در حقیقت سرمایه اجتماعی دارای دو بعد ساختاری و شناختی می باشد. مقصود از بعد ساختاری عبارت است از شبکه ها، نقش ها، قوانین، پیشینه ها، و بعد شناختی آن مرکب از هنجارها، ارزش ها، گرایشات و باورها است. در حالی که عناصر شناختی مردم را به سوی اقدامات جمعی که سودمندی متقابل دارد سوق می دهند، عناصر ساختاری سرمایه اجتماعی این کار را تسهیل می کنند. ۳۹ جنبه های ساختاری و شناختی هر دو اهمیت دارند و برای نشان دادن پتانسیل کلی اقدام جمعی در هر جامعه که دارای سودمندی متقابل است باید این دو جنبه را

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

با یکدیگر ترکیب کرد. بااملا پاکستان برنی ترکیب جنبه های پنداری و ساختاری، سرمایه اجتماعی را اینگونه تعریف کرده که دربردارنده دو جز مختلف است، و هر کدام ممکن است ز دیگری مستقل عمل کنند. ۲۰

دو جزء مربوط عبارتند از: الف. سطح همبستگی بین افراد یا ساختار شبکه عینی از یک طرف، و ب. ارتباطات ذهنی بین همان افراد از طرف دیگر. سرمایه اجتماعی زمانی وجود دارد که هر دو متغیر بالا باشند. زمانی که همبستگی بالا ولی ارتباطات ذهنی پایین است، عاملین مجبورند به راه های پرهزینه دیگر، مانند قراردادهای قانونی پناه ببرند. زمانی که ارتباطات ذهنی بالا ولی همبستگی پایین است، معنویت وجود دارد که ممکن است احتیاج به واسطه ها را ایجاد نماید تا موانع همکاری مؤثر را از بین ببرند. ۲۱

پاتنام مشهورترین متفکری است که در اساس مطالعه جامعه ایتالیا پنداشته ها و ارزش ها را به عنوان عنصر سرمایه اجتماعی که موجب مشارکت سازنده و در نتیجه توسعه می گردد بررسی شمارد که اهم آنها عبارتند از:

۱- اعتقاد به حکومت مردمی و آموزگی مصالحه با رقبای سیاسی

۲- اعتقاد رهبران و شهروندان به برابری

۳- اعتقاد به رفتار عادلانه و انتظار انجام آن از یکدیگر

۴- اعتقاد به اینکه آزادی شهروندان نتیجه مشارکت شان در تصمیم گیری های مشترک و عمل به آنها است

پاتنام می گوید معتقدین به ارزش های فوق به جامعه مدنی دست می یابند و برعکس ویژگی هایی را برای ساکنین جوامع غیرمدنی بررسی شمارد که عبارت است از:

۱- از نقطه نظر افراد این جامعه مسائل عمومی در حوزه اختیار رؤسا و سیاستمداران قرار دارد و نه « من »

۲- تنها تعداد کمی از مردم آرزو دارند که در تصمیم گیریهای جمعی در مورد مسائل جامعه مشترک المنافعشان شرکت کنند و فرصت های کمی برای این عمل دست می دهد.

۳- مشارکت سیاسی به خاطر وابستگی شخصی یا حرص و طمع فردی صورت می گیرد و نه اهداف جمعی، مشارکت در انجمن های اجتماعی و فرهنگی حتی از این هم ضعیف تر است

۴- دینداری خصوصی جای اهداف عمومی را می گیرد

۵- فساد حتی از منضر خود سیاستمداران نیز شدیداً یک هنجار تقبی می شود

۶- سیاستمداران نسبت به اصول و دموکراسی بدبین هستند.

۷- سازش و مصالحه از نظر سیاستمداران یک صفت منفی می باشد

۸- از نظر آنان قانون وضع شده تا نقض شود

۹- مردم از بی قانونی دیگران در هراسند و خواستار نظم شدیدتر می باشند

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

۱۰- تقریباً تمامی افرادی که در این حلقه های زجرآور به هم پیوسته گیر افتاده اند، احساس ضعف + استعمار شدگی بیگانگی، ضعف، نارضایتی می کنند»^{۴۲}.

مقصود از هنجارها الگوهای رفتاری هستند که حاصل و حامل ارزش های خاص در جامعه ای معین می باشند. ارزش هایی از قبیل دگرخواهی، حمایت از مظلومین، تقبیح مفاسد و آسیب های اجتماعی، محبت و غیرخواهی و ... همگی می توانند ارزش های مقوم مشارکت اجتماعی و بخشی از سرمایه اجتماعی باشند.

هنگامی که هنجار مؤثری وجود دارد، این هنجار شکل نیرومند، اما گاه شکننده سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهد، اینگونه هنجارها خواه با ضمانت های اجرایی درونی، خواه ضمانت های اجرایی بیرونی، در حل مشکل منفعت عمومی که در جمعیت های بهم پیوسته وجود دارد مهم هستند. نقش هنجارهای اجتماعی تا آنجاست که برخی سرمایه اجتماعی را، شکل و نمونه ملموس از یک هنجار غیر رسمی می دانند که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند فرد می شود.

البته هر مجموعه ای از هنجارها با مصداق عینی به تشکیل سرمایه اجتماعی نمی انجامد، بلکه این هنجارها باید به ایجاد و افزایش همکاری در جامعه و گروه بیانجامند، و لذا با فضایل سنتی چون درستکاری، وفای به عهد، قابل اعتماد بودن در انجام وظیفه، روابط متقابل و نظایر اینها مرتبط اند. البته هنجارهای اجتماعی تیغ دو لبه هستند. چون ضمن آن که می توانند همکاری را بین عده ای تقویت نمایند و کنش های معینی را تسهیل می کنند، از طرف دیگر کنش های دیگر را محدود می کنند، برای اینکه همکاری و مساعدت برای کنش ها و گروه های خاص در جامعه موجب محدودیت برای گروه های دیگر خواهد شد.

به نظر پانام، هنجارهایی که اعتماد را تقویت می کنند توسعه می یابند چرا که آنها هزینه معاملات را پایین آورده و همکاری را تسهیل می کنند، مهمترین این هنجارها، هنجار متقابل است. معامله متقابل بر دو نوع باشد گاهی اوقات متوازن (ویژه) و گاهی اوقات «عمومی» (شایع) نامیده می شود. معامله متقابل متوازن به مبادله همزمان چیزهایی با ارزش برابر اشاره دارد، مانند موقعی که همکاران روزهای تعطیلاتشان را با هم عوض می کنند یا نمایندگان پارلمان با هم زد و بست می نمایند. اما معامله متقابل عمومی به رابطه تبادلی مداومی اشاره دارد که در همه حال یک طرفه و غیر متوازن است. اما انتظارات متقابلی ایجاد می کند مبنی بر اینکه سودی که اکنون اعطا شده، باید در آینده بازپرداخت گردد. برای مثال: دوستی اغلب به معامله متقابل عمومی تبدیل می شود. هنجار معامله متقابل عمومی یکی از مولدترین اجزاء سرمایه اجتماعی است. جوامعی که در آنها از این هنجار پیروی می شود به گونه ای مؤثر تر می توانند بر فرصت طلبی فائق آمده و مشکلاتی عمل جمعی را حل کنند. هر فردی که در نظام معامله متقابل عمل می کند معمولاً ترکیبی از دو انگیزه را داراست: اول نوع دوستی کوتاه مدت و دوم حفظ منافع خود در بلند مدت. من اکنون به شما کمک می کنم (به طور منسجم، نامشخص و بی حساب) به این انتظار که شما فردا به من کمک خواهید نمود. معامله متقابل از یک سری از اقدامات تشکیل شده که هر کدام در کوتاه مدت نوع دوستانه هستند (نفع رساندن به دیگران به قیمت نوع دوستی) اما نوعاً روی هم رفته شرکت کننده ای را منتفع می کنند»^{۴۳}.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

پنداشته ها و هنجارها در حوزه های مختلف مذهبی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نوعاً مؤلفه ای از سرمایه اجتماعی برای مشارکت در همان حوزه محسوب می شوند. (هرچند منکر تأثیرگذاری آنها بر دیگر حوزه ها نیستیم). و از آنجایی که نظارت همگانی بخشی از مشارکت اجتماعی و بیشتر در حوزه سیاسی معنا دارد، بنابراین برای سنجش تأثیر سرمایه اجتماعی بر این متغیر فقط پنداشته های سیاسی را مورد توجه قرار می دهیم.

یکی از انواع تقسیم بندی های پنداشته های سیاسی، تقسیم آن بر اساس محور به مبانی و ساختار قدرت سیاسی است. بر این مبنا باور سیاسی به دموکراتیک و اقتدارگرایی تقسیم می شود. در باور دموکراتیک قدرت از جامعه و مردم ناشی می شود اما در باورهای اقتدارگرایی قدرت یکی از منابع فیزیکی، مذهبی، سنتی، ... نشأت می گیرد. نماد سازوکار تحقق باور دموکراتیک گزینش مسئولان سیاسی بر اساس آراء مردم و قوانین و مقررات می باشد. داده ها حاکی از آن است که میان باور دموکراتیک و تماس با مسئولان سیاسی (نظارت همگانی) رابطه معنادار ($Sig = 0.000$) وجود دارد، اما به میزانی که پرستی غیردموکراتیک می شود این رابطه تضعیف می گردد.

“به نظر شما مسئولان و مقامات کشور چگونه باید برگزیده شوند؟”

مؤلفه های پنداشته ها	مواضع	تماس با مسئولان در طول یکسال گذشته		سطح معناداری	رایت معنادار
		بی	خیر		
۱. با آراء، نظرات و خواست مردم	موافق	۲۳.۴۵	۷۶.۵۵	۰.۰۰۰	دارد
	مخالف	۵۶.۸	۴۳.۲		
۲. توسط مسئولان و مجریان مافوق	موافق	۳۲.۵	۶۷.۵	۰.۰۰۳	دارد
	مخالف	۲۴.۲	۷۵.۸		
۳. طبق قانون ولو مخالفت با اکثریت جامعه	موافق	۳۶	۶۴	۰.۰۰۰	دارد
	مخالف	۲۱.۷۵	۷۸.۲۵		
۴. طبق احکام اسلام بر حسب تفسیر افراد حاکم	موافق	۳۱.۸	۶۸.۲	۰.۰۳۸	دارد
	مخالف	۲۶.۹۵	۷۳.۰۵		
۵. طبق احکام اسلام یا تشخیص مردم	موافق	۲۶.۵۵	۷۳.۴۵	۰.۰۸۱	ندارد
	مخالف	۳۰.۸	۶۹.۲		

جدول نشان می دهد که میان گویه های بند یک و سه (گویه های دموکراتیک) با نظارت همگانی سطح معناداری کامل ($Sig = 0.000$) وجود دارد و در دو مورد دیگر کاهش می یابد و در یک مورد دیگر نیز معنادار نیست. اما این معناداری دال بر این نیست که افراد دارای باور دموکراتیک در نظارت همگانی مشارکت بیشتری دارند. بلکه برعکس نسبت افرادی که دارای این باور بودند و تماس گرفتند با افراد دارای همین باور که تماس نگرفتند خیلی کمتر است. در مقایسه با نسبت افرادی که دارای باور اقتدارگرا بودند و تماس گرفتند با افراد اقتدارگرایی که تماس نکردند. در این مسئله احتمالاً باید موضوع و متغیر دیگری را دخیل دانست که آن میزان حقانیت و مشروعیت نظام سیاسی است، چرا که در نظر افراد دارای باور دموکراتیک، نظام کنونی نوعی نظام اقتدارگراست و از مشروعیت سیاسی بالایی برخوردار نیست و یکی از متغیرهای تماس گرفتن نیز مقبولیت سیستم سیاسی است.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

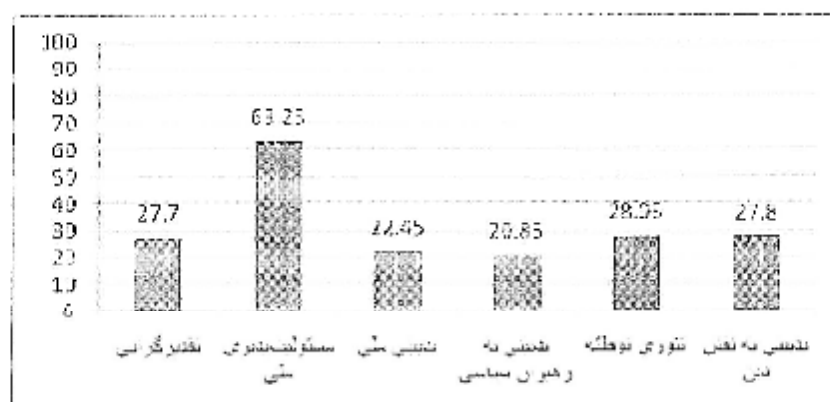
داده ها نشان می دهد که اصولاً در میان افراد دارای پنداشته های فئدارگرایی (پند ۲، ۳، ۴) تعداد بیشتری با مسئولان نظام ارتباط برقرار نمودند. در حالی که فقط ۲۳.۴۵٪ افراد دارای نگرش دموکراتیک با مسئولان تماس گرفتند، ۳۲.۵٪ افراد اقتدارگرا، ۳۶٪ پاسخگویان دارای نگرش قانون گرایی علیرغم مخالفت اکثریت جامعه، و ۳۱.۸٪ طرفداران نگرش حکومت اسلامی برحسب تفسیر افراد حاکم با مسئولان تماس گرفته اند و این امر نشان دهنده احساس همگرایی بین آنان و مقامات است.

یکی دیگر از ابعاد می توان پنداشته های سیاسی را بر مبنای آن تقسیم بندی نمود. نگرش فرد پیرامون جایگاه و نقش خودش در فرایندها و سرنوشت اجتماعی است. از این جهت باورها به دسته باشد تقسیم می شوند که عبارتند از: الف) تقدیرگرایی؛ یعنی اینکه معتقد باشیم که سرنوشت هر کشور تابع شانس و اقبال است، ب) مسئولیت پذیری، یعنی اینکه باور داشته باشیم که آینده حاصل کار و تلاش خودمان است، ج) بدبینی ملی بدین معنی که پنداشته شود که ملت ایران در طول تاریخ از نعمات استفاده نکرده و در آینده نیز نخواهند کرد. ه) تئوری توطئه؛ همواره مشکلات و مصائب داخلی را کارکرد بیگانگان بدانیم، و) در نهایت آنکه دین را عامل توسعه نیافتگی و مشکلات کشور فرض نماییم و خواهان جذابی دین از سیاست گردیم.

رتبه	ن چه حد به عبارت زیر موافق هستید؟	مواضع	تماس با مسئولان در طول یکسال گذشته		سطح معناداری Sig.	رابطه معناداری
			خیر	بلی		
۱	تقدیرگرایی؛ زندگی هر کشور تابع شانس و اقبال است. وضعیت ما همواره این بوده و در آینده چنین خواهد بود.	موافق	۷۷.۷	۲۲.۳	۰.۰۵۴	ندارد
		مخالف	۲۷.۲	۷۲.۸		
۲	مسئولیت پذیری؛ انسان هدیگ علت) با کار و تلاش می تواند آینده خود را بسازد. سرنوشت هر ملی دست خودش است.	موافق	۶۳.۲۵	۳۶.۷۵	۰.۰۰۰	دارد
		مخالف	۳۶.۷۵	۶۳.۲۵		
۳	بدبینی ملی؛ خدایان به ارول نعمتهای زیادی داده است، مردم ما در طول تاریخ از این نعمات استفاده نکرده و نمی کنند و خواهند کرد.	موافق	۲۲.۲۵	۷۷.۷۵	۰.۰۰۰	دارد
		مخالف	۷۷.۷۵	۲۲.۲۵		
۴	سیاسی مسئولان سیاسی؛ رهبران و سیاستمداران توانایی ندارند و یا به علت نبودگی به ظلم و فساد موجب سلب زندگی کشور می گردند.	موافق	۲۰.۸۵	۷۹.۱۵	۰.۰۰۰	دارد
		مخالف	۷۹.۱۵	۲۰.۸۵		
۵	تئوری توطئه؛ کشور ما دربارۀ موارد هجوم بیگانگان بوده و هست و هرگاه بخواند گذاشت کشور به پیشرفت برسد.	موافق	۲۸.۰۵	۷۱.۹۵	۰.۰۳۷	دارد
		مخالف	۷۱.۹۵	۲۸.۰۵		
۶	دینی به نقش دین؛ مباحثی دین با سیاست موجود بروز می کند و درگیری و سببهای نوز به کشور شده و می شود و اگر دین از سیاست جدا شود، هم دین پاکتر می ماند و هم کشور به توسعه می رسد.	موافق	۲۷.۸	۷۲.۲	۰.۰۰۴	دارد
		مخالف	۷۲.۲	۲۷.۸		

داده ها نشان می دهد که به غیر از نگرش تقدیرگرایی، بین بقیه گونه ها با میزان مشارکت در نظارت همگانی رابطه معناداری وجود دارد. اما مطلب قابل توجه آن است که فقط دارندگان نگرش مسئولیت پذیری ملی با فاصله بسیار زیادی نسبت به بقیه دارای تماس بیشتر با مسئولان بوده اند (۶۳.۲۵٪ پاسخگویان) و بقیه موارد تقریباً دارای تماس نسبتاً مساوی و در سطح پایین با مقامات بوده اند، داده های هر یک از گونه ها به ترتیب زیر است: تقدیرگرایی = ۲۷.۷٪، مسئولیت پذیری ملی = ۶۳.۲۵٪، بدبینی ملی = ۲۲.۴۵٪، بدبینی به رهبران سیاسی = ۲۰.۸۵٪، تئوری توطئه = ۲۸.۰۵٪، بدبینی به نقش دین = ۲۷.۸٪، با مسئولان تماس داشته اند.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران



بنابراین می توان نتیجه گرفت که هرکس که دارای نگرش بهتری نسبت به مسئولیت پذیری ملی باشد مشارکت بیشتری در نظارت همگانی خواهد داشت و شاید بتوان گفت که این مهمترین متغیر است.

نتیجه گیری:

بر اساس نظریه کارکردگرایی، حفظ الگو یکی از ارکان ثبات و پایداری نظام اجتماعی است. اما حفظ الگو از طریق دو سازوکار مکمل یکدیگر یعنی جامعه پذیری و مراقبت، انجام می گیرد. کارکرد جامعه پذیری انتقال ارزشها، هنجارها، نمادها، ایستارها و احساسات نسل پیشین به نسل نوین است، اما کارویژه نظارت و مراقبت نیز درک نارسائیها و تعمیر و بازسازی محرکها و ساختارها است. بنابراین نقش نظارت کمتر از جامعه پذیری اولیه نیست و اصلاً نظارت موجب اثربخشی و درونی کردن و نهادینه شدن جامعه پذیری می گردد. به علت همین نقش اساسی نظارت در نگهداری نظام اجتماعی، هم در فرهنگ اسلامی و هم در فرهنگ علمی نوین بر انجام آن تأکید اساسی شده است. این تأکید در فرهنگ دینی بصورت تجویز و تحدید مطرح شده است، و در فرهنگ علمی نیز از آن توصیف و تحیل علمی به عمل می آید. اما علیرغم این تأکیدات و توضیحات، در کشورمان شاهدیم که امر نظارت اجتماعی و همگانی بخشی حاشیه ای و نه جدی است، که پیامد آن رواج انحرافات اجتماعی و سیاسی و بی اثر بودن هزینه های سنگینی است که برای جلوگیری از انحرافات به عمل می آید. حل مشکل با افزایش هزینه ها امکان پذیر نیست، بلکه باید ریشه ها و علل آن را با رویکردی علمی شناخت. یکی از رویکردهایی که می تواند ناکامی نظارت اجتماعی را در کشور تحلیل نماید، رهیافت سرمایه اجتماعی است. این رویکرد مدعی است رفتارها و کنشهای منتهی به توسعه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مستلزم وجود سرمایه اجتماعی در جامعه است، که مرکب از ویژگیهای فردی، ساختاری و فرهنگی است. در حوزه فردی ویژگیهایی مثل آگاهی، هویت جمعی و نگرش و روانشناسی مثل اعتماد سرمنشاء کنشها و روابط اجتماعی سازنده است. در حوزه ساختاری نیز شبکه های اجتماعی نقش مهمی در توسعه مشارکت اجتماعی دارند و در حوزه فرهنگی نیز پنداشته های مثبت در حوزه های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی شرط ضروری مشارکت اجتماعی و نظارت همگانی است.